

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و دوم

تابستان ۱۳۹۹

وثیقه‌المدینه و جایگاه معرفتی آن در شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۲/۱۶

محمد تقی سبحانی^۱

الهام خرمی نسب^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان مفسر و تفصیل دهنده آیات قرآنی هم‌آهنگ با نظام اجتماعی مورد نظر قرآن، جامعه اسلامی را در مدینه بر اساس توحید پایه‌گذاری کرد و در شرایطی که جامعه مدینه، متشکل از گروه‌های مختلف اجتماعی با اعتقادات و گرایش‌های مختلف بود، سامان‌دهی جامعه اسلامی بر اساس مبانی و ارزش‌های قرآنی و الهی از طریق پیمان‌نامه‌ای به نام وثیقه‌المدینه میسر گردید. این سند که در بردارنده اصول و مبانی مؤثر در شکل‌گیری جامعه اسلامی و تحولات رو به کمال آن بود به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله تنظیم شد و به توافق همه گروه‌های موجود در مدینه رسید.

این پژوهش بر آن است با نگاهی تاریخی، پس از بررسی زمینه‌های معرفتی شکل‌گیری جامعه اسلامی مدینه، جایگاه معرفتی وثیقه‌المدینه را در آن با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا مشخص سازد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان دهنده آن است که مؤلفه‌های هستی‌شناختی توحید و معاد و مؤلفه‌های

۱. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث قم: (Sobhani.mt@gmail.com).

۲. دکترای علوم قرآن و حدیث و مدرس دانشگاه اصفهان: (Khoramielham@yahoo.com).

انسان‌شناختی مسئولیت‌پذیری و کرامت انسان از مؤلفه‌های معرفتی مورد توجه این وثیقه برای بنا نهادن جامعه نوپای اسلامی مدینه بوده است.

کلیدواژگان: وثیقه‌المدینه، پیامبر ﷺ، مدینه منوره، جامعه اسلامی، قانون اساسی.

۱. مقدمه

هیچ عاملی به‌طور مستقل و به‌تنهایی نمی‌تواند سبب ایجاد تغییر شود. همواره مجموعه‌ای از عوامل در به وجود آمدن تغییر مؤثر هستند که عامل ارزش، یکی از آنها است. ارزش‌هایی که قادر به تحریک انگیزه‌ای قوی باشند و یا به‌صورت نظام باورهای پیشنهادی به همه مردم جامعه ارائه شوند^۱ و یا سیستمی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن، صریح و سازمان‌یافته که موقعیت یک گروه یا جامعه را توصیه، تفسیر، تشریح و اثبات می‌کند و با الهام و تأثیرپذیری شدید از ارزش‌ها، جهت‌یابی معین و مشخصی را برای کنشی اجتماعی می‌دهد که گروه یا آن جامعه پیشنهاد می‌کنند^۲، نمونه‌هایی از عامل ارزش هستند.

شناخت مبانی و مؤلفه‌های معرفتی نخستین جامعه اسلامی از طریق آیات الهی و سیره پیامبر ﷺ امکان‌پذیر است. در میان اقدامات پیامبر ﷺ و وثیقه‌المدینه که تصور می‌شود، اقدامی سیاسی و اجتماعی بوده است، بیش از هر چیز، متنی معرفتی و شامل مؤلفه‌ها و ابعاد متنوع و تحول‌آفرین است که در شکل‌گیری و تأسیس نخستین جامعه اسلامی، نقش مهمی بر عهده گرفته بود.

۱. روزه، تغییرات اجتماعی، ص ۸۰-۸۱.

۲. همان، ص ۱۴۵.

هدف جهان‌بینی این است که کنش تاریخی جامعه را تهییج و تحریک کند^۱ و به‌عنوان عامل دگرگونی اجتماعی مطالعه می‌شود.^۲ هر جامعه، یک نظام معرفتی بنیادین دارد که از مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها ترکیب می‌شود که می‌توانند به حفظ وضع موجود کمک کنند، ولی اگر باورها و ارزش‌های آن جامعه با نیازهای جامعه دیگر سازگار نباشند، خود محرک دگرگونی می‌شوند.^۳ چنان‌که در مدینه زمان پیامبر ﷺ چنین شد و پیامبر ﷺ آن را با مبانی اصیل الهی جای‌گزین نمود و یا جهت و مفهوم آن را تغییر داد. بنابراین، مطالعه زمینه‌ها و تغییرات معرفتی که منشأ آن، تنظیم وثیقه المدینه به‌عنوان یک سند تاریخی است به‌عنوان هدف پژوهش حاضر انتخاب می‌گردد.

۲. بیان مسئله

طرف‌داران رویکرد تأسیسی در مطالعات دینی معتقد هستند از آن‌جا که همه علوم، ریشه در دیدگاهی فلسفی دارند، می‌توان به‌جای مبنا قرار دادن نظریه‌های موجود در علوم جدید که برخاسته از فلسفه و زمینه خاصی است و تلاش برای تأیید یا اصلاح آن از ناحیه متون دینی، گزاره‌هایی را سامان داد که مبتنی بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی دینی باشند و به‌طور مستقل در علوم مختلف نظریه پردازی کرد و آن را به‌بوته آزمون گذاشت.^۴

وثیقه المدینه به‌عنوان نقطه عطف فعالیت‌های پیامبر ﷺ در شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه، دارای ابعاد مختلفی است که می‌تواند مرجع مناسبی در این زمینه باشد. این پژوهش بعد معرفتی وثیقه را مورد توجه قرار می‌دهد و در صدد پاسخ به این پرسش است که جایگاه معرفتی وثیقه المدینه در شکل‌گیری جامعه اسلامی چگونه بوده است؟

۱. همان، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۱۰۵.

۳. کوئن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ص ۳۳۲.

۴. باقری، هویت علم دینی، ص ۲۵۰.

بنابراین در بخش اول این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به زمینه‌های معرفتی در شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه می‌پردازیم و در بخش دوم، ریشه‌ها و عناصر تحول‌آفرین مورد تأکید مواد وثيقة المدینة به عنوان جایگاه معرفتی وثیقه در شکل‌گیری جامعه اسلامی نوپدید مدینه با استفاده از روش تحلیل محتوا تبیین می‌گردد. منظور از مبانی هستی‌شناسی، آن دسته از پیش‌فرض‌ها درباره جهان هستی است که تبیین آنها بر نوع روابط اجتماعی، روش‌ها و اقدامات اجرایی به وسیله نهادهای اجتماعی، تأثیری مستقیم دارد و مبانی انسان‌شناسی آن دسته از پیش‌فرض‌ها درباره خصوصیات ذاتی انسان‌ها است که در تعیین بایدها و نبایدها و کنش‌های اجتماعی اثرگذار است.^۱

۳. پیشینه

کتاب‌هایی که به تاریخ تحولات و اقدامات پیامبر ﷺ در مدینه پرداخته‌اند، پیشینه قابل توجهی برای این تحقیق محسوب می‌شوند. در این کتاب‌ها به وثيقة المدینة به عنوان بخشی از اقدامات پیامبر اشاره شده است.^۲ در میان کتاب‌ها، کتاب *نشوء الفکر السیاسی الاسلامی من خلال صحیفة المدینة* نوشته خالد بن صالح حمیدی (معاصر)، منبعی خاص برای وثیقه است که به صورت اختصاصی درباره مباحث سیاسی وثیقه بحث کرده است. در ارتباط با وثیقه و نسبت آن با جامعه اسلامی و دولت اسلامی در میان مقالات فارسی، تنها *نماد قانون‌گرایی حکومت نبوی، صحیفة النبوی* به وسیله آقای دکتر شاکر (معاصر) نوشته شده است و در میان مقالات عربی، مجموعه مقالات همایش وثیقه در کوفه با عنوان *وثیقة المدینة دراسات فی التاصیل الدستوری فی الاسلام*، منبعی مهم در این زمینه است که به وسیله عبدالامیر زاهد، ویرایش و چاپ شده است.

۱. پارسانیا، «روش‌شناسی و اندیشه سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸، ص ۱۰.

۲. مانند الکامل فی التاریخ، تاریخ المدینة المنورة، السیرة النبویة، تاریخ یعقوبی، بحث فی نشأة الدولة الإسلامیة، دولة الرسول فی المدینة و درسه فی تکنونها و تنظیمها، المدینة الاسلامیة، المجتمع المدنی فی عهد النبوة خصائصه و تنظیماته الأولى، تاریخ تحول دولت در اسلام، تنظیمات الرسول ﷺ الإدریة فی المدینة، ازمة الهوية فی الفکر العربی المعاصر بین الاصلة والمعاصرة.

مستشرقان در مطالعه وثیقه، نقش بسزایی داشته‌اند. مستشرق انگلیسی ویلیام ژولیوس ولهاوزن (۱۹۱۸ م.)^۱، لیونه (۱۹۳۵ م.)^۲، مونتگمری وات (۲۰۰۶ م.)^۳ و برنارد لوئیس (۱۹۱۶ م.)^۴ در کتاب‌های تاریخی خود به آن پرداخته‌اند. هم‌چنین در کتاب‌های مختلف به خصوص در منابع عربی و انگلیسی به معرفی وثیقه پرداخته شده است و از جنبه‌های مختلف مورد پژوهش قرار گرفته است ولی به صورت مستقل به نقش‌آفرینی معرفتی وثیقه در شکل‌گیری جامعه اسلامی توجهی نشده است که در این پژوهش محقق خواهد شد.

۴. اعتبار وثیقه‌المدینه

همواره نگاه تاریخی به وثیقه، پررنگ بوده است. وثیقه در اولین منابع تاریخی به‌طور کامل بیان شده است.^۵ با این حال، مصادری که وثیقه‌المدینه را نقل کرده‌اند به صورت‌های متفاوتی، آن را آورده‌اند و دارای طرق متعددی هستند. البته برخورداری از طرق متعدد، راه را بر هم‌دستی در کذب می‌بندد. برخی متن آن را کامل آورده‌اند و برخی دیگر، گزیده‌ای از آن را بیان کرده‌اند.^۶

1. Wellhausen, J. The Arab Kingdom And Its Fall Beirut.

2. Annali dell' Islam. Caetani, Leona.

3. William Montgomery Watt. Islamic Political Thought.

4. Lewis, Bernard, The Arabs In History.

۵. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۶۸-۳۷۰.

۶. در منابع حدیثی به‌طور کامل نیامده است و فقط سرآغاز وثیقه‌المدینه و بخشی از مفاد اولیه آن بیان شده است (ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۶، ص ۳۷۷ و ج ۷، ص ۶۷۱؛ ابن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۲۷۱ و ج ۲، ص ۲۰۴؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۶؛ ابن عبدالبر، الاستذکار، ج ۸، ص ۶۹؛ ابو یعلی، مسند ابو یعلی، ج ۴، ص ۳۶۶-۳۶۷؛ هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۴، ص ۲۰۶؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۱؛ عاملی، الصحیح من سیره‌النبی الأعظم، ج ۱۵، ص ۶۸).

اولین کسی که متن وثیقه را به‌طور کامل نقل نموده است، محمد بن اسحاق (۱۵۱ ه.ق.) است که اسناد آن را نمی‌آورد.^۱ پس از آن، ابن سیدالناس (۷۳۴ ه.ق.) و ابن کثیر (۷۷۴ ه.ق.) آن را از او، بدون اسناد نقل می‌کنند^۲ ولی ابن سیدالناس (۷۴۳ ه.ق.) در این باره می‌نویسد:

ابن ابی‌الخثیمه (۲۷۹ ه.ق.) وثیقه را با اسنادش نقل کرده است.

هم‌چنین، العمری (۱۳۲۷-۱۴۳۲ ه.ق.) اسناد ابن ابی‌خثیمه را بیان می‌کند. روشن است که وثیقه در بخش مفقود تاریخ ابن ابی‌خثیمه بیان شده است؛ چرا که پیش از این - که از طریق او به دست ما برسد در منابع دیگر وجود ندارد.^۳ استاد محمد حمیدالله (۱۳۲۶) در مجموعه وثائق سیاسی در این باره می‌نویسد:

وثیقه در کتاب الاموال ابن زنجویه (۲۵۱ ه.ق.) از طریق ابن شهاب زهری

(۱۲۴ ه.ق.) نقل شده است.^۴

این طریقی است که وثیقه با نص کامل در آن بیان شده است.^۵ صحت صحیفه یا عدم صحت آن در مجامع علمی مورد مناقشه نیست؛ زیرا بعضی از مستشرقان بزرگ به این امر همت گمارده‌اند و درستی آن را اثبات کرده‌اند.^۶ مونتگمری وات معتقد است با

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۷۱.

۲. ابن سیدالناس، عیون الاثر، ج ۱، ص ۲۳۸؛ ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج ۲، ص ۲۲۴.

۳. العمری، السیره النبویه الصحیحة، ج ۱، ص ۲۶۷.

۴. محمد حمیدالله، مجموعه الوثائق السیاسیة، ص ۱؛ العمری، المجتمع المدنی، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۵. العمری، السیره النبویه الصحیحة، ج ۱، ص ۵۷۱.

6. Montgomery Watt, *Mohammad at Medina*, p 225-228; R.B Serjent, "the constitution of medina", p13-16; The Sunnah Jamiah, Pacts with the Yatrib Jews and the Tahrim of Yatrib "Analysis and translation of thee documents comprised in the so called " *The Constitution of medina*" BSOAS, XVII, 1978,p1-42; Moshe Gol, "the constitution of medina", p 44-65.

بررسی‌های زبانی هم می‌توان دریافت که صحیفه به شیوه و سبک قدیمی تنظیم شده است^۱ و درباره سند و مصادر وثیقه می‌نویسد:

بدون منبع هم می‌توان از صدور صحیفه‌المدینه اطمینان داشت.^۲

حسین فالح (۱۹۹۴م.) به نقل از گابریلی^۳ می‌نویسد:

وثیقه قدیمی‌ترین نمونه قابل اعتماد پس از قرآن کریم است.^۴

ولهاوزن نیز در جهت اثبات صحت وثیقه و تأیید مفاد آن به آیات قرآن کریم^۵ استناد می‌کند.^۶ بنابراین، در این پژوهش، بنا بر صحت و اعتبار صحیفه است و بررسی سندی و اعتبار سنجی آن از اهداف این پژوهش نیست، اما مقاله *اسانید الوثیقة النبویة فی کتب السیر و التاریخ و کتب الحدیث عند اهل السنة* نوشته جاسم محمد راشد (معاصر) در دانشگاه عراقیه دانشکده اصول الدین در بررسی اسانید و اعتبار وثیقه قابل توجه است.

۵. وضعیت باورها، ساختار اقوام و گروه‌های دینی در جامعه معاصر رسول ﷺ،

خاستگاه معرفتی در تحول خواهی

در منابع عربی، اشاره‌های پراکنده‌ای راجع به اعتقادات دینی مردم مدینه وجود دارد. مثل آن که آنها برای حج به مکه می‌رفتند ولی سعی صفا و مروه انجام نمی‌دادند و هنگام

1. Watt, *Mohammad at Medina*. P 349.

2. Watt, *Mohammad at Medina*. P ۵۱۸-۵۱۶.

3. Francesko Gabrieli *Geschichte der Araber*, Urban-Biicher; 73 (Stuttgart: (27) Kohlhammer, 1963.

۴. فالح حسین، بحث فی نشأة الدولة الإسلامية، ص ۴۶.

۵. بر اساس آیه وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا، اگر به مفاد بندهای (۲۵ - ۳۱، ۳۳، ۳۶ ب، ۴۶) مراجعه کنیم، همان معنا را از عبارت *إلا من ظلم وأثم، فانه لا یوتغ إلا نفسه* در بندهای ۲۵ - ۳۱، ۳۳ و عبارت *وانه من فتك فبنفسه وأهل بيته* در بند ۳۶ ب و عبارت *وان البر دون الإثم لا یکسبه کاسب إلا علی نفسه* در ماده ۴۶ درمی‌یابیم.

۶. حمیدی، نشوء الفكر السياسي الإسلامي من خلال صحیفه المدینه، ص ۷۲ - ۷۳.

بازگشت از حج از درب خانه‌هایشان وارد نمی‌شدند. از دیوارها بالا می‌رفتند. آنان در مراسم حج با مردم در تمام مواقع، وقوف می‌کردند ولی سرشان را نمی‌تراشیدند^۱ که نشان‌دهنده انفراد آنها در اعتقاداتشان به خصوص در حج است، ولی در آیات قرآن به این موضوع اشاره‌ای نمی‌شود.^۲

آنها برای منات، مکان خاصی قائل بودند و بعد از حج نزد منات می‌رفتند و سر می‌تراشیدند و حج خود را بدون آن ناتمام می‌دانستند^۳ ولی ملاحظه می‌شود که منات بین مکه و مدینه بوده است^۴ و برای آن معبدی در مدینه معرفی نشده است. ابن سعد (۲۳۰ه.ق.) در طبقات، افرادی را معرفی می‌کند که بعد از اسلام بت‌ها را شکستند^۵ ولی تعداد آنها آن قدر زیاد بوده است که عملیات بت‌شکنی مدتی ادامه داشته است.^۶ برخی از افراد بت‌هایی داشتند که به واسطه آنها خاص و شناخته شده بودند.^۷ منابع اشاره می‌کنند که عده‌ای، مانند ابوالهیشم بن التیهان (شهادت در جنگ صفین) در جاهلیت از بت‌ها کراهت داشتند. آنان به توحید سخن می‌گفتند^۸ و با طهارت به خانه‌ای که آن را

۱. این رسم برای قریش در منابع آمده است: «كانوا لا يستظلون أيام منى، ولا يدخلون البيوت من أبوابها وهم مُحْرِمُونَ» (ابن منظور، لسان العرب، ذیل باب خمس) ولی ابوحیان نقل می‌کند قال البراء بن عازب، و الزهري، و قتادة: سبب نزولها أن الأنصار كانوا إذا حجوا و اعتمروا يلتزمون شرعا أن لا يحول بينهم و بين السماء حائل، فكانوا يتسنمون ظهور بيوتهم على الجدران، ر ك؛ بحر المحيط ذیل آیه ۱۸۹ بقره ۲. البته به نظر می‌رسد آیه ۱۸۹ بقره ناظر به همین رسوم است.

۳. أبو المنذر هشام بن محمد، الاضنام، ص ۱۴.

۴. همان، ص ۱۳.

۵. ابن سعد، طبقات الكبرى، ج ۳، ص ۴۴۸.

۶. همان، ج ۳، ص ۴۳۵، ص ۴۳۸، ۴۴۸.

۷. أبو المنذر هشام بن محمد، الاضنام، ص ۱۸.

۸. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص ۱۹۱.

مسجد می خواندند، وارد می شدند و می گفتند که پروردگار ابراهیم را می پرستیم تا این که پیامبر ﷺ وارد مدینه شد و آنان اسلام آوردند.

شکی نیست که وجود یهود در مدینه به اطلاع اهل مدینه از تاریخ بنی اسرائیل و اخبار آنها کمک می کرد و هم چنین با فهمیدن قیامت، حساب و آمدن پیامبر جدیدی که نجات بخش بشریت است، استعداد پذیرش اسلام در میان اهالی مدینه ایجاد شد که این پذیرش، بیشتر و ام دار عوامل سیاسی و روحی بود.^۱ اهالی یثرب با بسیاری از ادیان توحیدی مانند یهودیت، مسیحیت و حنیفیه آشنا بودند^۲ و مدینه از تنوع و تعدد دین و مذهب بهره مند بود. در مدینه برخلاف دیگر محیط های عرب، علاوه بر اختلافات قومی، اختلافات مذهبی و فرقه ای نیز وجود داشت.

یهودیان مدینه دو دسته بودند. یهودیانی که از شام آمده بودند و اعراب مدینه که تحت تأثیر یهودیان، یهودی شده بودند، اما شواهد کافی وجود ندارد که نشان دهد، یهودیان بنی عوف از اعراب بر مذهب یهودیان بنی قریظه، بنوقینقاع و بنونضیر بودند. هم چنین، افزون بر الحاد و یهودیت، دین حنیفیه و برخی از مسیحیان نیز وجود داشته اند. این بدان معنا است که یثرب در آن زمان محل تجمعی جهانی از ادیان عرب یا ادیان موجود در شبه جزیره عربستان آن زمان بوده است.^۳

در آن زمان، یمنی ها تلاش می نمودند، فرهنگ غالب در یثرب را به فرهنگ، آداب و رسوم و سنت های یمن نزدیک نمایند. یمن در دوران قبل از مهاجرت پیامبر ﷺ به وسیله ایرانیان اداره می شد و در نتیجه مردم یثرب از آثار فرهنگ فارسی برکنار نبودند، اما به دلیل موقعیت جغرافیایی یثرب که از طریق کنترل کاروان هایی که از مکه به شام می رفت،

۱. احمد صالح العلی، دولة الرسول فی المدینة و دراسة فی تكوناتها و تنظیمها، ص ۳۲.

۲. دروزه، تاریخ الجنس العربی، ص ۱۲۴.

۳. علاء عبدالرزاق، ازمة الهوية فی الفكر العربی المعاصرین الاصاله والمعاصرة، ص ۸۵.

در تماس با شام بودند. ساکنان و شاعران یثرب نیز در تماس با پادشاهان غساسنه بودند. همچنین، افرادی از اوس و خزرج که به جمع اهل یثرب پیوسته بودند^۱، رابطه قوی قبیله‌ای با قبایل قحطانی یمنی داشتند. با این وجود، مردم مدینه از جریان‌های مذهبی و فرقه‌ای شرق مدیترانه آن دوران که شاهد درگیری‌های مذهبی کلیسای مسیحی در مورد ماهیت مسیح و انشقاق کلیسای مسیحی از انواع مذاهب بود که اسقف‌ها و راهبان خود را در سرزمین عرب پخش می‌کرد، متأثر نشدند و این به دلیل طبیعت شرایط مدینه بود.^۲

البته، وجود تنوع فرقه‌ای، مذهبی و اقتصادی و تحت تأثیر فرهنگ‌های مختلف و نژادهای مختلف بودن در ایجاد محیطی مناسب برای شکل‌گیری هویت اسلامی نقش داشت. شکی نیست که محرومیت فردی عرب، وجود افراد بلند همت و دارای شأن و منزلت در میان عشایر و قوم و جریان‌های متعدد حاکم در مدینه که بر مبنای قبیله و سیاست قدیمی فعالیت می‌کردند در تعیین جایگاه برخی از اهل مدینه نسبت به اسلام تأثیر داشتند و تعدادی از آنها در جهت تأخیر در اسلام فعالیت می‌کردند.

در دوران هجرت، ادیان و عقاید متعددی در مدینه وجود داشت که مهم‌ترین آنها شرک و یهودیت بود. تعدادی نیز به توحید معتقد بودند و افکاری شبیه افکار مسیحیان داشتند و تجمعات سیاسی آنها بر اساس اصول عشیره‌ای بود. هنگامی که مهاجران به مدینه آمدند، ارتباط قدیمی قبیله‌ای وسیعی با اهل مدینه نداشتند، پیامبر ﷺ نظام قبیله‌ای را حفظ کرد ولی برای ایجاد روابط اعتقادی و فکری مؤثر در تعیین موضع عامه در وقایع پیش روی اسلام اقدام نمود.^۳

۱. کسانی که پس از شکست سد مأرب از یمن آمده بودند.

۲. همان، ص ۸۶.

۳. احمد صالح العلی، دولة الرسول فی المدینة و دراسة فی تكوناتها و تنظیمها، ص ۱۴۹.

دگرگونی اعتقادی - اخلاقی، پیوسته مقدم بر سایر دگرگونی‌های اجتماعی است ولی محدوده متفاوتی دارد. به این معنا که در انقلاب اجتماعی تکاملی، نخست مبارزه و جنبش وسیع اعتقادی - اخلاقی پدید می‌آید تا با تغییر مطلوب اعتقادی - اخلاقی در گروه بزرگی از افراد جامعه، یک نیروی مبارز هم‌کیش، هم‌فکر و هم‌منش تشکیل شود و با انقلاب سیاسی، سایر تحولات را میسر گرداند. در واقع، تغییر اعتقادی، تغییر جهان‌بینی و بینش اجتماعی انسان‌ها است.^۱

۶. جایگاه معرفتی و وثیقه‌المدینه در شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه

هدف این بخش، بیان مؤلفه‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در شکل‌گیری جامعه اسلامی با توجه به سند تاریخی وثیقه‌المدینه است تا از این رهگذر، مبانی معرفتی سنت نبی اکرم ﷺ در شکل‌گیری جامعه اسلامی مشخص شود. ملاک تعیین و حدود هر یک از این مؤلفه‌ها، تأکید پیامبر اکرم ﷺ بر هر یک از آنها در قالب مواد وثیقه‌المدینه است.

ولهاوزن متن وثیقه‌المدینه را به ۴۷ بند تقسیم می‌کند^۲ و پس از او، حمیدالله (۱۳۲۶ ه.ق.) به تقسیم برخی از بخش‌های آن می‌پردازد و این رقم را به ۵۲ مورد می‌رساند.^۳ در این پژوهش از این بخش‌ها با عنوان مواد مندرج در وثیقه یاد می‌شود و برای رعایت اختصار ترجمه، موادی از وثیقه که در بخش‌های مختلف مقاله بیان شده است، تکرار نمی‌شود.

۱. فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، ص ۳۵.

۲. ولهاوزن، تاریخ الدولة العربية، ص ۶۵-۸۳.

۳. حمیدالله، مجموعة الوثائق السياسية، ص ۱.

۶-۱. مؤلفه‌های هستی‌شناختی

مباحث مربوط به هستی‌شناسی اجتماع از مبانی علم جامعه‌شناسی و نظام اجتماعی است و بدون معرفت به اصول و مبانی این علم نمی‌توان به نظریه اجتماعی دست یافت و هرگونه برداشتی از آن بر نحوه ساختاری قوانین اجتماعی و نظام اجتماعی تأثیر می‌گذارد.^۱ یکی از مهم‌ترین، مؤلفه‌های هستی‌شناختی نظام اجتماعی قرآن کریم که در وثیقه نیز بر آن تأکید شده است، اصل توحید و معاد است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

۶-۱-۱. توحید

در شرایطی که مدینه از گروه‌های قومی، مذاهب و مکان‌های جغرافیایی مختلف تشکیل شده بود، شکل‌گیری یک هویت جدید ترکیبی از این عناصر ناهم‌گون، نیاز فوری جامعه محسوب می‌شد. بنابراین، پیامبر ﷺ از طریق ماده دوم از مواد وثیقه، هویت جدیدی برای ساکنان مدینه اعلام کرد و فرمود:

امتی در برابر مردمان دیگر.^۲

سپس، آن را تحت حاکمیت الهی قرار داد و آن را به اطاعت از پیامبر خدا ﷺ تسری داد و به این طریق، مجموعه این قبایل تحت عنوان امت به فرماندهی واحد رسول خدا ﷺ رسیدند و این شامل مسلمانان و غیر آنها می‌شد. این نکات در مواد ۱، ۲۳، ۳۶، ۴۲، ۴۷ است که در ادامه آمده است.

۱. به نام خداوند بخشاینده مهربان. این، نوشته و پیمان نامه‌ای است از محمد پیامبر (فرستاده خدا) تا در میان مؤمنان و مسلمانان قبیله قریش و (مردم) یثرب و کسانی که پیرو مسلمانان شوند و به آنان بپیوندند و با ایشان در راه خدا پیکار کنند (به اجرا درآید).^۳

۱. صدیق سروستانی و رجیبی، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، ص ۳۲۰-۳۲۱.

۲. أمة من دون الناس (ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۳۶۸-۳۷۰، ماده اول).

۳. بسم الله الرحمن الرحيم، هذا كتاب من محمد النبي صلى الله عليه وسلم، بين المؤمنين والمسلمين من قریش ويثرب ومن تبعهم، فلحق بهم وجاهد معهم (همان).

وثیقه المدینه با نام خداوند رحمان و رحیم آغاز می‌شود و حاکمیت نبی خدا را ذیل حاکمیت خداوند رحمان و رحیم قرار می‌دهد. طبق این ماده، همه گروه‌های حاضر در وثیقه^۱ که در مدینه زندگی می‌کردند، حضرت محمد ﷺ را به عنوان نبی خدا می‌پذیرفتند و با وجود پذیرش این معاهده از سوی گروه‌های سیاسی و اعتقادی مدینه، در واقع آنها بر شأن حضرت محمد ﷺ به عنوان نبی خدا اقرار می‌کردند و قوانینی را که از سوی او صادر می‌شد به رسمیت می‌شناختند و همه گروه‌ها همراه با مسلمانان تحت عنوان جدیدی قرار گرفتند که امت واحده خوانده می‌شد. آنان از این طریق، حاکمیت رهبری را پذیرفتند که رسول خداوند و پیام‌آور دین توحیدی بود. از سوی دیگر، قوم یهود نیز خود دارای دین توحیدی و با آیین توحیدی آشنا بودند. در نتیجه، جامعه جدید مدینه با محوریت توحید شکل گرفت و رسمیت یافت.

۲۳. هرگاه شما مسلمانان در کاری گرفتار اختلاف شدید، دآوری پیرامون آن را به خدا و محمد ﷺ باز گردانید.^۲

۴۲. هرگاه میان متعهدان به این پیمان نامه، قتلی یا رویدادی ناگوار و یا ناسازگاری که خطر تباهی همراه داشته باشد، روی دهد، بی گمان برای رهایی از آن، به خدا و پیامبر ﷺ روی آورند (مشیت) خداوند بر نگهداشت و پذیرفتن این نوشته جاری است.^۳

۱. مفاد دیگری در وثیقه وجود دارد که به طور مستقیم به حضور یهودیان در پیمان وثیقه المدینه اشاره دارد و این برداشت از مفاد اولیه را تأیید می‌کند (مفاد ۱۶، ۲۴، ۳۷، ۳۸).

۲. وإنکم مهما اختلفتم فیہ من شیء فإن مرده إلى الله عز وجل وإلى محمد صلی الله علیه وسلم (همان، ماده ۲۳).

۳. وإنه ما کان بین أهل هذه الصحيفة من حدث أو اشتجار يخاف فساد، فإن مرده إلى الله عز وجل، وإلى محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم، وإن الله علی أتقى ما فی هذه الصحيفة وأیره (همان، ماده ۴۲ و ۴۷).

نکته مهم این که در این دو ماده، نام خداوند مقدم بر نام پیامبر ﷺ است و حاکمیت پیامبر ﷺ ذیل حاکمیت خداوند معنا و مفهوم می‌یابد. یکی از شاخصه‌های این حاکمیت، سپردن قدرت قضایی به پیامبر ﷺ و مرجع قرار دادن ایشان در حل اختلافات احتمالی است. این مسئله در شرایطی که فضای مدینه، گرفتار اختلافات و جنگ‌های قبیله‌ای چند ساله بود، بسیار تعیین کننده بود. در شرایطی که بر مدینه حاکم بود، تنها حکم قرار دادن یک شخص و پذیرفتن وی، برای اجرای حکم کافی نبود. بلکه، مدینه نیازمند فردی بود که نفوذ کلام و قدرت اجرایی داشته باشد.

در واقع، پذیرش ایشان به عنوان قاضی به معنای پذیرش حاکمیت ایشان بود. به صورتی که با حمایت و پشتیبانی خود به ایشان، قدرت اجرایی هم دادند و وثیقه‌المدینه به عنوان قانون جامعه تازه تأسیس، ضمانت اجرایی یافت و در نتیجه، شأن امامتی ایشان را نیز در حاکمیت سیاسی پذیرفتند. نشانه‌های دیگری از پذیرش این حاکمیت در مواد دیگری، مانند ماده ۳۶ موجود است. چنان که اهل مدینه به دلیل حفظ امنیت اجتماعی، ملزم به تبعیت از اذن پیامبر ﷺ در خروج از مدینه شدند.

۳۶. هیچ یک از آنان جز به اجازه محمد ﷺ نباید بیرون رود.^۱

سپس، پیامبر ﷺ در آخرین ماده از مواد وثیقه، خداوند را به عنوان بالاترین مقام حاکمیتی، گواه بر صحیفه معرفی می‌کند و به عنوان نبی خدا بر درستی این صحیفه از سوی خداوند گواهی می‌دهد و پیمان شکنان را به توبیخ از سوی خود و خداوند تهدید می‌نماید و استواران بر پیمان و قوانین را در پناه خداوند و خود معرفی می‌کند و در این باره می‌گوید:

خداوند، گواه راستینی بر این پیمان‌نامه است و آن را می‌پذیرد. پیدا است که

این نوشته، ستمگر یا پیمان شکنی را از کیفر، باز نخواهد داشت. نیز روشن است

۱. وانه لا یخرج منهم أحد إلا بإذن محمد صلی الله علیه وسلم (همان، ماده ۳۶).

که هر کس از مدینه بیرون رود و هر که در مدینه بماند در امان خواهد بود. مگر کسی که ستم کند و پیمان شکنند. خدا و پیامبرش ﷺ پناهگاه پرهیزگاران و استواران بر پیمانند.^۱

در نتیجه، حاکمیت خداوند و پیامبر ﷺ در مدینه تصویب شد و با به رسمیت شناختن دین اسلام، حاکمیت الهی در جامعه نوپای مدینه به ظهور رسید. در این مرحله، توحید در صحنه زندگی اجتماعی انسان‌ها وارد شد و پیامبر ﷺ که تا کنون در تلاش بود شرک را از ذهن و زندگی فردی انسان‌ها پاک کند، وارد مرحله جدیدی شد.

بنابراین، اقدامات پیامبر ﷺ بر اساس توحید پایه‌گذاری شدند. با این ویژگی که طرح عقیده توحید در مدینه به طور کامل با مکه متفاوت بود. در مکه، خداوند در پی دگرگونی کلان ذهنیت، قلب و جان انسان بود که از شرک پیراسته شود و موحد گردد، اما در مدینه، توحید در ذهن و جان انسان‌ها نشسته بود و در این مرحله باید جان‌مایه عمل قرار می‌گرفت.^۲

در جامعه مطلوب قرآن کریم، همه ارزش‌ها و تقدیرها به سوی انسان‌هایی است که اعتقاد به توحید در عمل و رفتار آنها متجلی است.^۳ این تغییر ارزش‌ها، عامل ایجاد تحول در رفتار و تعامل انسان‌ها و در نهایت تحول اجتماعی خواهد بود. با ورود پیامبر ﷺ به مدینه این مرحله از رسالت، شتاب بیشتری یافت؛ زیرا در هنگام هجرت، اوضاع در مدینه چنین بود که مردم مدینه اسلام، تأیید پیامبر ﷺ و حمایت از وی را قبول کرده بودند و کسانی که با آن حضرت ﷺ مخالفت می‌کردند، مخالفتشان اعتقادی بود، نه سیاسی.^۴

۱. وإن الله على أصدق ما في هذه الصحيفة وأبره؛ وإنه لا يحول هذا الكتاب دون ظالم أو أثم، وإنه من خرج آمن، ومن قعد آمن بالمدينة، إلا من ظلم أو أثم؛ وإن الله جار لمن بر واتقى، ومحمد رسول الله صلى الله عليه وسلم (همان).

۲. قطب، محمد، دراسات قرآنية، ص ۲۱.

۳. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۲۰۹.

۴. احمد صالح العلی، دولة الرسول في المدينة، ص ۱۴۹.

بنابراین، بحران‌های فرهنگی و هویتی که مردم یثرب با آن روبه‌رو بودند، وجود آیین توحیدی در مدینه و آشنایی مشرکان یثرب با عقاید و آیین آنها، جای‌گزینی فرهنگ بدوی مردم یثرب را با فرهنگ توحیدی تسهیل نمود. پیامبر ﷺ همه ناهنجاری‌ها را از ذهن آنها زدود و هنجارها را جای‌گزین کرد. آن حضرت ﷺ به نوعی، جهان‌بینی انسان‌ها را تغییر داد و با تغییر فرهنگ بدوی آنها، فرهنگ توحیدی را جای‌گزین نمود و به آنها هویتی دینی و توحیدی بخشید.

۶-۱-۲. معاد

به لحاظ اهمیت در اصلاح نفوس، کارایی معاد، بیش از توحید است؛ زیرا اعتقاد به توحید بدون معاد، بازدارندگی ندارد و در صورت اعتقاد به معاد، باور توحید در زندگی انسان مؤثر است. بنابراین در روش مدیریت و تدبیر حیات اجتماعی جامعه مدینه، توجه دادن عموم مردم به معاد، مجازات و پاداش الهی همواره به وسیله پیامبر ﷺ مشهود است. چنان‌که در وثیقة المدینه نیز به این مهم اشاره می‌شود و ایمان به خدا را در کنار اعتقاد به روز واپسین قرار می‌گیرد و به عقوبت و خشم خداوند انذار داده می‌شود. در ماده ۲۲ وثیقة المدینه در این باره آمده است:

هر مؤمنی که محتوای این نوشته را پذیرفته است و به خدا و روز بازپسین باور دارد، روا نیست که آدم‌کشی را یاری یا پناه دهد و هر کس که او را یاری یا پناه دهد، بی‌گمان در روز رستاخیز، گرفتار نفرین و خشم خدا خواهد گشت و توبه و سربهایی از وی پذیرفته نخواهد شد.^۱

۱. وانه لا يحل لمؤمن أقر بما في هذه الصحيفة وأمن بالله واليوم الآخر أن ينصر مُحدثاً ولا يؤويه وإنه من نصره أو آواه فإن عليه لعنة الله وغضبه يوم القيامة ولا يؤخذ منه صرف ولا عدل (ابن هشام . السيرة النبوية ، ج ۲، ص ۳۶۸-۳۷۰، ماده ۲۲).

این ماده از وثیقه، لعنت خدا و غضب او را در روز قیامت برای کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و آدم کشی را پناه دهد یا به او یاری برساند، وعده می‌دهد. هم‌چنین، تذکر می‌دهد که توبه و خون‌بها از وی پذیرفته نمی‌شود. در آخرین ماده از مواد وثیقه نیز به صورت تلویحی، ظالم و پیمان‌شکن نسبت به وثیقه را به کیفر، بیم می‌دهد و در این باره می‌گوید:

خداوند گواه راستینی بر این پیمان نامه است و آن را می‌پذیرد. پیداست که این نوشته، ستمگر یا پیمان شکنی را از کیفر، باز نخواهد داشت. هم‌چنین، روشن است که هر کس از مدینه بیرون رود و هر که در مدینه بماند در امان خواهد بود. مگر کسی که ستم کند و پیمان شکند. خدا و پیامبرش ﷺ پناهگاه پرهیزگاران و استواران بر پیمانند.^۱

بهبود هم مانند مسلمانان به دلیل اعتقاد به آیین توحیدی با مفاهیم معاد و عقاب آشنا بودند و پذیرش این اصل، دور از ذهن و غریب نبود، ولی اشاره مستقیم به ایمان به معاد و جزای روز قیامت در وثیقه، نشان از اهمیت این اصل در نظام اجتماعی اسلامی دارد. یاد مرگ و دفع دوستی دنیا، بهره‌برداری بی‌رویه از این عالم را محدود می‌کند و زمینه مساعدی برای پرورش صفات نیک در دل آدمی به وجود می‌آورد. خاصیت اصلی نفس، خودخواهی و خودبینی است و از مؤثرترین کوبنده‌های نفس، یاد مرگ است. این امر به معنای مذموم آن و تلخ کردن زندگانی نیست. بلکه به معنای گشودن زنجیرها است.^۲

۱. همان، ص ۳۷۰.

۲. به تعبیر مولوی «مادر بت‌ها، بت نفس شماست»؛ دشمن خویشیم و یار آن‌که ما را می‌کشد/ غرق دریاییم و ما را موج دریا می‌کشد؛ زان چنان شیرین و خوش در پای او جان می‌دهیم/ کان ملک ما را به شهد و شیر و حلوا می‌کشد (دیوان شمس).

در حقیقت یکی از رسالت‌های پیامبران این است که انسان را مرگ‌اندیش کنند و به آدمیان توصیه کنند که همواره در این امر مهم تفکر کنند. مسئله حیات بعد از مرگ با قوت در ادیان مطرح است و از تعلیمات اختصاصی ادیان است. عقل بشری به تنهایی نمی‌تواند، آن را کشف کند و جزئیات و تفصیلات آن را دریابد و از این جهان برای آن حیات جهت‌گیری کند، ولی اندیشیدن به مرگ، غیر از اندیشیدن به حیات اخروی و نگرانی از حسن یا سوء عاقبت است. به همین دلیل است که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

اکیس الناس اکثرهم ذکرا للموت و اشدهم استعدادا له.^۱

تغییر ارزش‌های اجتماعی که به دنبال تغییر اعتقادی و اخلاقی در مدینه شکل گرفت از عوامل مهم تحول اجتماعی بود. مرگ‌اندیشی و توجه به معاد در فضای جدید اجتماعی، علاوه بر کنترل رفتار و اعمال انسان‌ها در جهت حفظ جامعه سالم و امن، آنها را برای مسئولیت‌های جدید اجتماعی مانند ایثار، فداکاری، تعاون، آمادگی برای جهاد و شهادت‌طلبی مهیا ساخته بود.

۶-۲. مؤلفه‌های انسان‌شناختی

دین اسلام به جامعه و روابط اجتماعی به صورت خاص می‌پردازد. به طوری که بخشی از احکام و قوانین فردی، آهنگ اجتماعی دارد و برای شکل‌گیری و تقویت جامعه مطلوب اسلامی از آن بهره می‌برند. هدف نهایی انقلاب تکاملی اسلام، تعالی روانی انسان‌های جامعه است. در واقع، یک تغییر ژرف و اساسی اجتماعی نمی‌تواند جدا از انسان و غیر از تحول او باشد. بخشی از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری جامعه اسلامی، نوع نگرش به

۱. مولوی، داستان بلندی درباره قوم سبا و پیامبران آورده است که در آن، قوم به پیامبران می‌گویند که ما پیش از آن که شما بیایید در ناز و نعمت بودیم و از این دغدغه‌ها فارغ و غافل بودیم، اما اکنون به واسطه پیام شما، مرغ مرگ‌اندیش شده‌ایم. طوطی نقل و شکر بودیم ما / مرغ مرگ‌اندیش گشتیم از شما (مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۹۵۱)؛ زیرک‌ترین مردم کسی است که بیش از همه یاد مرگ می‌کند و بیش از همه خود را برای این سفر آماده می‌نماید (فیض کاشانی، المحجة البیضاء، ج ۸، کتاب ذکر الموت و ما بعده).

انسان است که در تصمیم‌گیری و تنظیم قوانین مربوط به زندگی اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرآیند تحول‌آفرین شکل‌گیری جامعه اسلامی به مؤلفه‌های انسان-شناختی توجه داشتند و آنها را مبنای روابط و تعاملات قرار می‌دادند. وثیقه‌المدینه که سند قانونی شکل‌گیری جامعه اسلامی است دارای مبانی و ارزش‌های انسانی است که در قرآن تعلیم داده شده است و در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عمل درآمده است. بنابراین در این پژوهش، مؤلفه‌های مهم کلیدی در تعیین کنش انسانی، شیوه روابط اجتماعی او و ایجاد تحول اجتماعی که در وثیقه‌المدینه مورد تأکید قرار گرفته است، تبیین می‌گردد.

۶-۲-۱. کرامت انسان

کرامت انسان به عنوان یکی از مؤلفه‌های انسان‌شناختی در جهان‌بینی اسلام دارای ابعاد مختلفی است که ریشه در مساوات، برابری انسان‌ها، جایگاه و حرمت آنها در بارگاه خداوند متعال دارند. تأثیر این عقیده در ایجاد تحولات اجتماعی و فرهنگی متأثر از ایجاد آگاهی و باور در انسان‌ها در کسب حقوق و مزایای برابر در سطح اجتماع است. در واقع، برخورداری‌های متفاوت و متمایز اجتماعی و وجود طبقات ممتاز در کنار طبقات مردم، ستم بزرگ تاریخ بشری است.

زیربنای اعتقادی این وضع ظالمانه، گاه به این صورت است که خدایان مختلف که آفرینش و تدبیر طبقات مختلف را در دست دارند، هر طبقه‌ای را با مزایا و حقوقی خاص پدید آورده‌اند. همچنین، گاهی به این صورت است که خدای واحد، گروهی از بشر را با مزایایی در خلقت و طبیعت آفریده است و آنان را از ویژگی‌های حقوقی برخوردار ساخته است و گاه به صورت‌های دیگر در عقیده اجتماعات بشری وجود داشته است. بنابراین، اساس برخورداری‌های اختصاصی طبقات بالا، موهبتی طبیعی و محرومیت‌های طبقات پایین، ضرورتی فطری قلمداد گردیده است.

۱. فارسی، جلال‌الدین، انقلاب تکاملی اسلام، ص ۳۵.

عقیده به توحید، علاوه بر آن که همه را مخلوق و بنده یک خدا می‌داند با آموزش‌ها و معارف دیگری که همه زاییده توحید است، مانند یگانگی خالق و معبود و مدبر امور همگان، واحد بودن اصل و ریشه مادی آفرینش همه انسان‌ها، عدم وجود هیچ‌گونه مزیتی در آفرینش که منشأ برخورداری‌های حقوقی برای برخی افراد باشد، وابستگی همه مزیت‌ها به تلاش‌های مداوم، کوشش‌ها و مجاهدت‌های خود آدمی، مالکیت حقیقی خداوند و فقر ذاتی بشر، ریشه‌های اختلاف طبقاتی را از ذهن انسان‌ها و از واقعیت و متن اجتماع بیرون می‌کشد.^۱

پیامبر اکرم ﷺ در جریان تشکیل جامعه اسلامی و تعامل با انسان‌ها، همواره به این اصل مهم توجه داشتند. چنان‌که در متن وثیقه‌المدینه نیز با مواد گوناگونی، آن را عملیاتی کردند و به اجرا درآوردند. ایشان برای از بین بردن برتری‌های قومی و قبیله‌ای، نام قبایل را در وثیقه در کنار هم آورد، برای آنها حقوق یکسان قرار داد و اتباع مختلف مهاجر و یهود را به این واسطه گرد هم آورد.

آن حضرت ﷺ در مواد ۱-۱۳ و ۲۵-۳۲، مهاجران، انصار و یهودیان از بنی عوف، بنو ساعده، بنو حارث، بنو جشم، بنی النجار، بنو عمروبن عوف، بنو النبیث و بنو الاوس، بنی ثعلبه و بنی الشطیبیه و موالی آنها را با حفظ آداب و آیین داخلی قبیله‌ها با هم امت واحده خواند. هم‌چنین در حفظ کرامات انسانی برای جان انسان‌ها ارزش قائل بود و در مواد پایین، آن را قانونی نمود. به‌طوری‌که اگر مؤمنی، مؤمن دیگری را بکشد به قصاص از او باید کشته شود و اگر مؤمنی، کسی را به عمد بکشد یا باید ولی او را راضی کند یا همه مؤمنان علیه او با هم متحد می‌شوند و اقدام می‌کنند:

۱. خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۲۸۳.

۱۹. مؤمنان، فرد مسلمانی را که مسلمانی دیگر را کشته است، در راه خدا می‌کشند.^۱
۲۱. هر گاه از روی دلیل ثابت گردد که کسی، مؤمنی را بی گناه کشته است، باید او را به قصاص کشت. مگر آن که صاحب خون به ستاندن خون بها راضی شود و همه مؤمنان باید ضد قاتل باشند و علیه او به پا خیزند.^۲
- بر اساس وثیقة‌المدینه، اگر گروهی برخلاف قوانین اجتماعی عمل کنند و به کسی ظلم و ستم کنند و حق او را بستانند یا بخواهند، تباهی یا فسادى در بین انسان‌ها ایجاد کنند، باید مجازات یا قصاص شوند:
۱۳. مؤمنان پرهیزکار باید در برابر هر مسلمانی که ستم کند یا از راه ستمگری چیزی از ایشان بخواهد و یا آهنگ دشمنی و تباهی میان مؤمنان را در سر بپروراند، هم‌داستان به ستیز برخیزند. هرچند وی، فرزند یکی از ایشان باشد.^۳
- هیچ انسانی نباید علیه مؤمنی با مؤمنی دیگر، هم‌پیمان شود:
۱۲. ب. هیچ مؤمنی نباید به هم‌بستگی با مؤمنی دیگر بر ضد وی هم‌پیمان شود.^۴
- همه مؤمنان یار و یاور یکدیگرند:
۱۲. پیروان اسلام نباید مسلمانی را در پرداخت خون‌بها یا فدیة سنگین، تنها گذارند.^۵
-
۱. وإن المؤمنین یبئ بعضهم على بعض بما نال دماءهم فی سبیل الله (ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ۳۶۸-۳۷۰، ماده ۱۹).
۲. وإنه من اعتبط مؤمنا قتلا عن بینة فإنه قود به، إلا أن یرضی ولی المقتول (بالعقل) وإن المؤمنین علیه كافة ولا یحل لهم إلا قیام علیه (همان، ماده ۲۱).
۳. وإن المؤمنین المتقین (ایدیهم) على (كل) من بغی منهم، أو ابتغی دسیعة ظلم، أو إثمًا، أو عدوانًا، أو فسادًا بین المؤمنین؛ وإن أیدیهم علیه جمیعا، ولو كان ولد أحدهم (همان، ماده ۱۳).
۴. وأن لا یحالف مؤمن مولى مؤمن دونه (همان، ماده ۱۲ ب).
۵. وأن المؤمنین لا یترکون مفرحا بینهم أن یعطوه بالمعروف فی فداء او عقل (همان، ماده ۱۲).

۱۵. پناه خدا برای همگان یکسان است و فرودست‌ترین مسلمانان،^۱ کافران را پناه تواند داد. مؤمنان در برابر دیگران یاور یکدیگر هستند.^۲

و حتی اتباع یهودی که ظلم و ستم نکنند و پیمان نشکنند به صورت یکسان از یاری و حمایت مؤمنان برخوردار خواهند بود:

۱۶. هر کس از یهود از ما پیروی کند، بی‌هیچ ستم و تبعیض از یاری و برابری برخوردار خواهد شد.^۳

منظور از کرامت آن است که انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه به‌صورت محترمانه زندگی کند. کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش، حیثیت او را به خطر بیندازد و قوانین اجتماعی باید به‌گونه‌ای وضع شوند که کرامت انسانی حتی مجرم، مورد خدشه قرار نگیرد.^۴ قرآن در این باره می‌فرماید:

ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، (بسر مرکبهای راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.^۵

۱. وفي الحديث: ويجير عليهم أديانهم، اي اذا اجار و به من المسلمي، حُر أو عبد أو امرأة واحداً أو جماعة من الكفار و خفرهم وأمنهم، جاز ذلك على جميع المسلمين لا ينقض عليه جواره و امانه؛ آن‌گاه که یکی از مسلمانان چه آزاد، چه برده و چه زن به یک تن یا گروهی از کافران پناه دهد، رعایت این پناه، همه مسلمانان را در بر خواهد گرفت و نباید پناه وی نادیده گرفته شود (ابن منظور، لسان، ج ۴، ص ۱۵۵، جور) - م.

۲. وإن ذمة الله واحدة، يجير عليهم أديانهم، وإن المؤمنين بعضهم موالى بعض دون الناس (ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۳۶۸-۳۷۰، ماده ۱۵).

۳. وإنه من تبعنا من يهود فإن له النصر والأسوة، غير مظلومين ولا متناصر عليهم (همان، ماده ۱۶).

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۱۵۶.

۵. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسرا: ۷۰).

رعایت اصل کرامت انسانی سبب تکامل جامعه و حرکت آن به سوی جامعه مطلوب اسلامی است. قرآن کریم عوامل دستیابی به آن را وفای به عهد، گذشت، چشم‌پوشی از انتقام، دوری از شهوات، مودت، مهربانی، شکر نعمت‌های الهی، دوری از خواهش‌های ظاهری و باطنی، ایمان به خدا، کسب علم نافع و رعایت حق می‌شمارد. همه این عوامل در جهت رشد و تکامل جامعه اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

۶-۲-۲. مسئولیت‌پذیری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرآیند شکل‌گیری جامعه اسلامی، همواره مردم مدینه را نسبت به شرایط و اوضاع یکدیگر و شرایط عمومی جامعه مسئول می‌دانست. ایشان این مسئولیت را قانونی نمود تا به تدریج، حس مسئولیت‌پذیری در فضای جدید اجتماعی در میان مردم مدینه شکل بگیرد.

جامعه جاهلی از اندیشه مسئولیت‌شخص‌موظف به کلی بیگانه بود. در آن اجتماعات از مؤسساتی که به کار رسیدگی جرایم و اعمال ضداجتماعی بپردازد یا عهده‌دار بازخواست و کیفر پاداش باشد، خبری نبود؛ زیرا مسئولیت صورت دسته‌جمعی و قبیلگی داشت و پدر یا رئیس قبیله و عشیره، بار گناه افراد و جرایم ایشان را عهده‌دار می‌شد و پرداخت غرامت و دیه، کیفری دسته‌جمعی بود.

دستگاه دادرسی و مقام بازپرسی و مسئولیت‌خواهی در جامعه نبود که به حساب‌ها رسیدگی کند. قانونی وجود نداشت که میزان جریمه و کیفر را مشخص سازد. مسئولیت شخصی در قبال بزهکاری مفهوم نبود و این مجموعه از موانع عمده تغییر رفتار اجتماعی افراد به شمار می‌رفت. عرب تصور می‌کرد که در برابر هیچ مقامی نسبت به اعمالش مسئولیت ندارد و مؤاخذه نخواهد شد. قبیله بار گناه و مسئولیتش را عهده‌دار بود و او می‌پنداشت که در صورت وجود حساب، دستگاه دادرسی و دادگاهی می‌تواند از زیر بار مسئولیت بگریزد.

نهضت اسلام این تصورات بی‌پایه را مورد تعرض قرار داد و امر دنیا و آخرت را بر مسئولیت شخصی بنیاد کرد.^۱ مسئولیت‌پذیری یکی از اصولی بود که پیامبر ﷺ با تجهیز مردم به آن، جامعه اسلامی را نظام بخشید و مردم را برای اداره جامعه و تنظیم رفتار فردی مهیا ساخت. ایشان در ابتدای ورود به مدینه، انصار را تشویق نمودند با مهاجران که وضعیت اقتصادی نابسامانی داشتند و برای اسکان نیز دچار مشکلاتی بودند، عقد برادری ببندند و در مسائل مادی و معنوی یار و یاور یکدیگر باشند.^۲

هم‌چنین، خودشان با رعایت موازین اخلاقی و رفتاری نسبت به شهروندان و جامعه، سعی در آموزش این اصل مهم اجتماعی به عموم مردم جامعه داشتند،^۳ اما پس از مدتی از طریق مواد وثیقه‌المدینه، آن را اصالت و جامعیت قانونی بخشیدند. ایشان از طریق ایجاد حس تعلق به جامعه بزرگ تازه تأسیس مدینه که آن را امت نامیدند در ماده ۱ و ۲ وثیقه‌المدینه، میان افراد جامعه وحدت و هم‌بستگی ایجاد می‌کند.

ضمن این موارد، گروه‌های مختلف جامعه مدینه از انصار و مهاجران و کسانی که از طریق معاهدات و قوانین مشترک به آنها می‌پیوندند و از آنها تبعیت می‌کنند و کسانی که همراه با آنها در دفاع از حریم مدینه و اهالی آن در جنگ و جهاد شرکت می‌کنند (موادی در وثیقه وجود داشت که یهودیان را موظف به شرکت در جنگ‌های احتمالی و پرداخت هزینه‌های جنگ می‌کرد)^۴ تحت عنوان امت واحده، گرد هم می‌آیند و در ادامه از همه آنها می‌خواهد که نسبت به یکدیگر به نیکی و دادگری عمل نمایند (مواد ۳ - ۱۱ و ۱۷):

۱. فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، ص ۷۲-۷۳.

۲. ابن هشام، تهذیب السیره، ج ۲، ص ۱۲۱۵.

۳. مجموعه اقدامات فرهنگی، اداری و اجرایی پیامبر ﷺ در اداره شهر مدینه (خرمی نسب، «شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه (مؤلفه‌ها، روش‌ها، اهداف)» فرهنگ قرآنی و نقش وثیقه‌المدینه در آن، ص ۱۴۰-۱۶۰).

۴. ماده ۲۴. «وإن اليهود ینفقون مع المؤمنین ما داموا محاربین؛ ماده-۳۷ «وإن علی اليهود نفقتهم وعلی المسلمین نفقتهم وإن بینهم النصر علی من حارب أهل هذه الصحیفة وإن بینهم النصح والنصیحة والبر دون الإثم؛ ماده ۳۸. «وإن اليهود ینفقون مع المؤمنین ما داموا محاربین (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۶۸-۳۷۰).

۱۷. آشتی همه مؤمنان یکی است و به هنگام پیکار در راه خدا، هیچ مؤمنی نباید جدا از مؤمن دیگر و جز بر پایه برابری و دادگری در میان مؤمنان با دشمن از در آشتی درآید.^۱ هم‌چنین، نسبت به مشکلات و گرفتاری‌های یکدیگر بی‌تفاوت نباشند. یکدیگر را تنها نگذارند و احساس مسئولیت کنند (ماده ۱۲):

۱۲. پیروان اسلام نباید مسلمانی را در پرداخت خون‌بها یا فدیة سنگین، تنها گذارند.^۲ ۱۲ ب. هیچ مؤمنی نباید به هم‌بستگی با دیگری بر ضد مؤمنی دیگر هم‌پیمان شود.^۳ به خصوص در برابر ظلم و ستم با یکدیگر هم‌داستان شوند و با آن مقابله کنند. در جهت سلامت جامعه، حتی اگر نزدیک‌ترین افراد به آنها باشد با آن مقابله کنند. داد مظلوم را بستانند و اگر لازم باشد، قاتلی را بکشند (مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۱):

۲۱. هرگاه از روی دلیل ثابت گردد که کسی، مؤمنی را بی‌گناه کشته است، باید او را به قصاص کشت. مگر آن که صاحب خون به ستاندن خون‌بها راضی شود و همه مؤمنان باید ضد قاتل باشند و علیه او به پا خیزند.^۴

هم‌چنین، یادآور می‌شود که هر شخصی باید مسئولیت عملکرد خویش را بپذیرد و برای عملکرد منفی اجتماعی مورد بازخواست و مجازات قرار گیرد. به این ترتیب، خونخواهی‌های قبیله‌ای و حمایت‌های متعصبانه در جامعه کم‌رنگ شد (ماده ۳۶ و ۴۷):

۳۶ ب. هیچ کس از کیفر زخمی که بر کسی وارد آورده است، بر کنار نمی‌ماند. هر کس به نگاه کسی را بکشد، بی‌گمان زیان آن جنایت به خود وی و خاندانش باز خواهد گشت. مگر آن که مقتول ستم کرده باشد که در این صورت، خداوند آن را (چون قصاصی) می‌پذیرد.^۵

۱. وإن سلم المؤمنین واحدة لا یسلم مؤمن دون مؤمن فی قتال فی سبیل الله إلا علی سواء وعدل بینهم (همان).

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. ولا ینحجز علی ثأر جرح، وإنه من فتك فینفسه وأهل بیته إلا من ظلم وإن الله علی أبر هذا (ابن هشام،

السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۶۸-۳۷۰).

۴۷. خداوند گواه راستینی بر این پیمان‌نامه است و آن را می‌پذیرد. پیدا است که این نوشته، ستمگر یا پیمان‌شکنی را از کیفر، باز نخواهد داشت. همچنین، روشن است که هر کس از مدینه بیرون رود و هر که در مدینه بماند در امان خواهد بود. مگر کسی که ستم کند و پیمان شکند. خدا و پیامبرش ﷺ پناهگاه پرهیزگاران و استواران بر پیمان هستند.^۱

با بیان این حقیقت که خداوند پناه همه مظلومان هست، مسئولیت یاری و همراهی مؤمنان به وسیله یکدیگر و عدم همراهی و پناه دادن به ظالم فاجر را بر عهده آنها نهاده است (۱۵، ۲۲، ۴۳):

۱۵. پناه خدا برای همگان یکسان است و فرودست‌ترین مسلمانان، کافران پناه تواند داد. مؤمنان در برابر دیگران یاور یکدیگر هستند.^۲

۲۲. هر مؤمنی که محتوای این نوشته را پذیرفته است و به خدا و روز بازپسین باور دارد، روا نیست که آدم‌کشی را یاری یا پناه دهد و هر کس که او را یاری یا پناه دهد، بی‌گمان در روز رستاخیز، گرفتار نفرین و خشم خدا خواهد شد و توبه و خون‌بها از وی پذیرفته نخواهد شد.^۳

۴۳. هیچ‌کس نباید به قریش و یاران ایشان پناه دهد.^۴

هم‌چنین، یادآور می‌شود که میان یهود و مسلمانان، تفاوتی در حقوق اجتماعی و برخورداری از امنیت وجود ندارد و تفاوت‌های اعتقادی آنها، ایشان را از حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی مستثنا نمی‌سازد. در صورتی که یهود از مسلمانان تبعیت کنند، این مسئولیت‌های اجتماعی نسبت به ایشان نیز قابل اجرا است (۱۶ و ۲۵):

۱. همان.

۲. همان، ماده ۱۵.

۳. همان.

۴. وانه لا تجار قریش ولا من نصرها (همان).

۱۶. هر کس از یهود از ما پیروی کند، بی‌هیچ ستم و تبعیض از یاری و برابری برخوردار خواهد شد.^۱

هم‌چنین، تأکید می‌کند یهودیان ساکن مدینه، بخشی از جامعه اسلامی محسوب می‌شوند و تفاوت در دین، آنها را از حقوق اجتماعی محروم نمی‌کند. مگر این که پیمان شکنی و ستم کنند. با این حال، مسئولیت اعمال افراد را به عهده خودشان قرار می‌دهد و اعلام می‌کند که اگر کسی از قوانین تجاوز کند، تنها خود و خانواده‌اش را به این وسیله تباہ می‌سازد:

۲۵. یهود بنی عوف، خود و بستگان ایشان، امتی همراه با مسلمانان هستند. دین یهود از آن ایشان و دین مسلمانان از آن مسلمانان است؛ مگر کسی که با پیمان شکنی ستم کند و راه گناه در پیش گیرد که چنین کسی، جز خود و خانواده خویش را تباہ نخواهد ساخت.^۲ چنان که در مواد وثیقه‌المدینه آمده است، یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های افراد یک جامعه، حفاظت از کیان آن جامعه در برابر خطرات و حملات احتمالی خارجی است. پیامبر ﷺ پس از آن که حدود شهر مدینه را تعیین فرمودند، آن را حرم امن خواندند که در آن جنگ و خون‌ریزی برای افرادی که وثیقه‌المدینه را پذیرفته‌اند، حرام است (۳۹):

۳۹. درون مدینه برای پذیرندگان این پیمان‌نامه حرام است.^۳

از طریق وثیقه‌المدینه، همه مردم جامعه شامل انصار، مهاجران و یهودیان را ملزم نمودند در دفاع از مدینه در مقابل حملات احتمالی، مسئولیت‌پذیر باشند و علاوه بر شرکت در جنگ در پرداخت هزینه‌های آن مشارکت کنند (مواد ۲۴، ۱۸، ۳۷، ۳۸، ۴۴):

۱۸. پیکارگرانی که همراه ما نبرد می‌کنند، باید به نوبت به پیکار پردازند.^۴

۱. همان.

۲. إن یهود بنی عوف أمة مع المؤمنین للیهود دینهم وللمسلمین دینهم موالیهم وأنفسهم إلا من ظلم وأثم، فإنه لا یوتغ إلا نفسه وأهل بیته (همان).

۳. وإن یشرب حرام جوفها لأهل هذه الصحیفة (همان).

۴. وإن کل غازیة غزت معنا یعقب بعضها بعضا (همان).

۲۴ و ۳۸. آن‌گاه که مؤمنان با دشمنان در پیکارند، یهود نیز باید در پرداخت هزینه جنگ با مؤمنان همراه باشند.^۱

۳۷. در پیکار با دشمنان، هزینه یهود بر عهده خود آنان و هزینه مسلمانان بر عهده خود ایشان خواهد بود و بر هر دو گروه است که در برابر کسی که با شرکت کنندگان در این پیمان‌نامه به ستیز برخیزد با هم‌یاری یکدیگر پیکار کنند. هم‌چنین، باید راستی و نیک‌خواهی و نیکی، بی‌هیچ پیمان شکنی میان ایشان استوار باشد.^۲

۴۴. هم‌پیمانان باید علیه کسی که به شهر یثرب بتازد به یاری هم بشتابند.^۳ از این جهت، وثیقة‌المدینه بیانیه‌ای در تخصیص مسئولیت‌های گروه‌های مختلف جامعه نسبت به یکدیگر و نسبت به جامعه است. به‌طوری که نقش مهمی در ایجاد تحول اجتماعی داشته است و نشان از این مهم دارد که پیامبر ﷺ در شکل‌دهی به ساختار اجتماعی به اصل مسئولیت‌پذیری توجه داشتند و از طریق عقد پیمان‌های جمعی از آن بهره می‌بردند.

تعهدی که توحید به فرد موحد یا جامعه موحد می‌دهد در حد فرمان‌های شخصی و تکالیف فردی نیست. بلکه تعهد و مسئولیتی در حد تکالیف اساسی و حقوق اساسی برای اداره یک جامعه است، مانند حکومت، اقتصاد، روابط بین‌الملل و روابط افراد با یکدیگر.^۴

۱. وإن اليهود ینفقون مع المؤمنین ما داموا محاربین (همان).

۲. وإن علی اليهود نفقتهم وعلی المسلمین نفقتهم، وإن بینهم النصر علی من حارب أهل هذه الصحیفة،

وإن بینهم النصح والنصیحة، والبر دون الإثم (همان).

۳. وإن بینهم النصر علی من دهم یثرب (همان).

۴. خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۲۲۴.

۷. جمع بندی

متن وثیقه به عنوان حساس‌ترین اقدام پیامبر ﷺ در فرآیند شکل‌گیری جامعه دارای مؤلفه‌ها و ابعاد متنوع و تحول‌آفرینی است. این مؤلفه‌ها در دو بعد هستی‌شناختی و انسان‌شناختی استخراج و تبیین شدند. پیامبر ﷺ با ارائه نظام معرفتی و باورهای جدید و جامع، ارزش‌های جامعه جاهلی را با ارزش‌های جدیدی که ره‌آورد اسلام بود، جای‌گزین نمود و با تغییر جهان‌بینی اعضای جامعه جدید از این عامل مهم در ایجاد تغییرات اجتماعی بهره برد.

نظام باورها و معرفتی که ره‌آورد دین آسمانی اسلام بود در همه زمینه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی مبنای شکل‌گیری نخستین جامعه اسلامی قرار گرفت. این امر در تمام آموزه‌ها و اقدامات پیامبر ﷺ قابل مشاهده است. البته، مجموعه این مبانی و مؤلفه‌ها، ناظر به وضعیت مطلوبی است که وثیقه‌المدینه به دنبال تأمین آن در جامعه بود. جامعیت و کمال نظام باورها و معرفتی که پیامبر ﷺ در نخستین جامعه اسلامی پایه‌گذاری فرمود، چنان است که با گذشت قرن‌ها، جواب‌گوی نیازهای فکری و اعتقادی یک جامعه اسلامی است.

نکته مهم و با اهمیت این بخش آن است که دین اسلام، مبادی و مبانی اعتقادی را چنان ارائه می‌کند که نه تنها برای زندگی فردی و شخصی افراد مناسب است. بلکه، مناسبات و تعاملات اجتماعی آنها را نیز سامان‌دهی می‌کند؛ یعنی به خداپرستی و مرگ‌اندیشی رنگ اجتماعی می‌بخشد، منابع معرفتی را در جهت سازمان‌دهی زندگی فردی و اجتماعی نقش می‌دهد، مبانی انسان‌شناختی را در جهت تعامل با افراد جامعه شکل می‌دهد و با مبانی جامعه‌شناختی، جامعه اسلامی را سامان‌دهی و رهبری می‌کند.

منابع

١. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، المصنف، الطبعة الاولى، بی‌جا: دار الفكر، ١٤٠٩ق.
٢. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، المسند، بيروت: دار صادر، بی‌تا.
٣. ابن زنجويه، حميد بن مخلد الأردی، الأموال، تحقيق شاکر ذيب فياض، الرياض: مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية، ١٩٨٦م.
٤. ابن سعد، طبقات الكبرى، تحقيق محمد عبد القادر عطا دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٠ق.
٥. ابن سيد الناس، محمد بن عبد الله بن يحيى، عيون الأثر في فنون المغازي والشمال والسير، بيروت: مؤسسة عز الدين، ١٩٨٦م.
٦. ابن كثير، ابى الفداء اسماعيل، البداية و النهاية، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٩ق.
٧. ابن هشام، أبو محمد عبد الملك، السيرة النبوية، تحقيق محمد محيى الدين عبد الحميد، بی‌جا: بی‌نا، ١٣٨٣ق/١٩٦٣م.
٨. ———، تهذيب السيرة، تحقيق عبدالسلام هارون، الطبعة الثانية، القاهرة: المؤسسة العربية الحديثة، ١٩٦٤م.
٩. ابن عبد البر، ابو عمر يوسف بن عبدالله، الاستذكار، تحقيق سالم محمد عطا محمد على معوض، بيروت: دارالكتب العلمية، ٢٠٠٠م.
١٠. العلى، احمد صالح، دولة الرسول فى المدينة و دراسة فى تكوينها و تنظيمها، چاپ سوم، بيروت: شركة المطبوعات للتوزيع و النشر، ٢٠٠٩م.
١١. ابو يعلى، احمد بن على بن المثنى، مسند ابو يعلى، تحقيق حسين سليم أس، بی‌جا: دار المأمون للتراث، بی‌تا.
١٢. بلاذرى، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، قاهره: الجئة البيان العربى، ١٩٥٦م.
١٣. باقرى، خسرو، هويت علم دينى، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ١٣٨٢.
١٤. بيهقى، أبو بكر أحمد بن الحسين، السنن الكبرى، بيروت: دار الفكر، بی‌تا.
١٥. حميدى، خالد بن صالح، نشوء الفكر السياسى الإسلامى من خلال صحيفة المدينة، بيروت: دار الفكر اللبنان، ١٩٩٤م.
١٦. حميدالله، محمد، مجموعة الوثائق السياسية، الاردن: مكتبة المنار، ١٤٠٨ق/١٩٨٨م.
١٧. خامنه‌اى، سيدعلى حسینی، طرح کلی اندیشه اسلامی درقرآن، تهران: مؤسسه ایمان جهادی، ١٣٩٢.

۱۸. خرّمی نسب، الهام، «شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه (مؤلفه‌ها، روش‌ها، اهداف)» در فرهنگ قرآنی و نقش وثیقة‌المدینه در آن، قم: دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۶.
۱۹. دروزه، محمد عزت، تاریخ الجنس العربی، الجزء الخامس، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۹۶۲م.
۲۰. ذهبی، شمس‌الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، سیر اعلام النبلاء، تحقیق مجموعة من المحققین بإشراف الشیخ شعیب الأرنؤوط، بی‌جا: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
۲۱. روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۲.
۲۲. صدیق سروسستانی و رجبی، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۸۵.
۲۳. علاء عبدالرزاق، أزمة الهوية فی الفكر العربی المعاصرین الاصاله والمعاصرة، رسالة ماجستير غیر منشورة مقدمة لكلية العلوم السياسية، جامعة بغداد، ۲۰۰۰م.
۲۴. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ ۱۹، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۵. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، الطبعة الرابع، بیروت: دار السیرة، ۱۹۹۵م.
۲۶. العمری، أكرم ضیاء، السیرة النبویة الصحیحة، بیروت: طابع مكتبة العلوم والحكم، ۱۹۹۶م.
۲۷. _____، المجتمع المدني فی عهد النبوة خصائصه وتنظیماته الأولى، المدینة المنورة: بی‌نا، ۱۹۸۳م.
۲۸. فارسی، جلال‌الدین، انقلاب تکاملی اسلام، تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۲۹. فالح حسین، بحث فی نشأة الدولة الإسلامية، بیروت: مركز دراسات الوحدة العربية، ۲۰۱۰م.
۳۰. قطب، محمد، دراسات قرآنیة، قاهره: دارالشروق، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م.
۳۱. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تحصیح علی اکبر غفاری، الطبعة الثالث، طهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ق.
۳۲. کوئن بروس، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴.

٣٣. محمد راشد، جاسم، «اسانید الوثيقة النبوية في كتب السير و التاريخ و كتب الحديث عند اهل السنة»، وثيقة المدينة دراسات في التاصيل الدستوري في الاسلام، كوفه: جامعه كوفه، ١٤٣٢ق.

٣٤. رزق الله، مهدي، السيرة النبوية في ضوء المصادر الأصلية، الرياض: مركز الملك فيصل، ١٤١٢ق/ ١٩٩٢م.

٣٥. ولهاوزن، يوليوس، تاريخ الدولة العربية، ترجمه از آلمانی به عربی محمد عبدالهادی ابوریده، القاهرة: بی‌نا، ١٩٦٨م.

٣٦. هیشمی، نورالدین علی بن ابی‌بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٩٨٨م.

1. R.B Serjent, "the constitution of medina", IQ 8(1964); The Sunnah Jamiah, Pacts with the Yatrib Jews and the Tahrir of Yatrib "Analysis and translation of thee documents comprised in the so called " *The Constitution of medina*" BSOAS, XVII, 1978.
2. Moshe Gol, "the constitution of medina" IOS, 4,1974.
3. Montgomery Watt, *Mohammad at Medina*, Oxford at Chlarendon. Press,1977.
4. *Annali dell Islam* (Milan, Ulrico Hoepli, 1905-1907), 10 volumes.